



● سعید وزیری*

اشاره

معماری ایرانی - اسلامی علاوه بر کارکرد خاص خود که برای یک موضوع خاص مانند، مسجد، محل سکونت و ... ساخته و بنا می‌شود، هر یک از اجزا و عناصر آن نقش رسانه‌ای دارد که پیام‌های فرهنگی آموزشی و دینی را به مخاطب منتقل می‌کند که در شماره‌های آینده به این موضوع بیشتر خواهیم پرداخت.

کاشی‌کاری‌ها و کتیبه‌های مدرسه دارالفنون نیز یکی از این اجزا و عناصر این بنای تاریخی است که ضمن ایجاد زیبایی در بنا با بیان آیات و احادیث شریف و اشعار، اهمیت و جایگاه علم و دانش را در فرهنگ این مرز و بوم نشان می‌دهد.

در شماره ۱۲ به این موضوع به صورت خیلی مختصر پرداختیم. در این شماره از زاویه‌ای دیگر این موضوع مورد بررسی قرار می‌گیرد.



دارالفنون نام مدرسه‌ای است که در سال ۱۲۳۰ خورشیدی (۱۸۵۱ میلادی) با طرح و برنامه میرزا تقی‌خان امیرکبیر در زمان ناصرالدین‌شاه قاجار برای آموزش علوم و فنون جدید در تهران تأسیس شد. این مدرسه در قلب خود، تاریخی از وقایع و اتفاقات روزهای تیره و تار یا روشن و پرفروغ ایران را در خود دارد، آن‌گونه که ساختمان آن، هم‌اکنون در خیابان ناصرخسروی شهر تهران موزه‌ای تاریخی است که هر ستون و کتیبه و دیوار آن در خود داستانی قابل تأمل دارد.

* محقق و پژوهشگر حوزه تاریخ تعلیم و تربیت

دارالفنون در تاریخ ۱۳۶۷/۴/۲۸ به شماره ۱۷۴۸ در فهرست آثار میراث فرهنگی درآمده است. بد نیست بدانیم که اولین سنگ بنای این مدرسه در سال ۱۲۶۶ ق. گذاشته شد؛ اما در روز یکشنبه پنجم ربیع الاول ۱۲۶۸ با ۱۰۰ تن از فرزندان شاهزادگان ایران و رجال دولتی شروع به کار کرد. این مدرسه از سال ۱۲۶۸ ق. تا سال ۱۳۴۸ ق. (برابر با سال ۱۳۰۸ خورشیدی) که فعالیت فرهنگی چشمگیری داشت ۸۰ ساله شد و در نتیجه به مرور زمان، شرایط ساختمان به گونه‌ای شد که یک تغییر و تعمیر اساسی می‌طلبید. ناگفته نماند که در سال ۱۳۰۵ خورشیدی «تدین» وزیر معارف، روزی برای بازدید از مدرسه دارالفنون رفت تا از نزدیک با کاستی‌های مدرسه آشنا شود. دانش‌آموزان دارالفنون که از درس خواندن در اتاق‌های تاریک و مرطوب خسته شده بودند، برای این که خواسته خود را به گوش وزیر برسانند، یکی از دانش‌آموزان را که در سخن گفتن زبان‌آور بود به نام نصرت‌الله کاسمی^۲ برگزیدند تا وی سخنگوی آنان باشد. کاسمی با بیانی رسا و مؤثر درخواست دانش‌آموزان را بیان کرد و وزیر قول مساعد داد. وزیر به مهندس وزارتخانه و مسئول کارهای ساختمانی دستور می‌دهد که مخارج تجدید بنای مدرسه را برآورده کند گرچه هیچ‌گاه این کار در زمان تدین انجام نشد، اما در اوایل ۱۳۰۸ ش. در زمان وزارت اعتمادالدوله (قراگزلو) دستور تجدید بنای دارالفنون داده شد. این بنا به وسیله مارکف مهندس گرجی که تابعیت ایران را پذیرفته بود به شکل آبرومندانه ساخته شد و در روز سه‌شنبه سوم مهرماه با حضور فروغی نخست‌وزیر و علی‌اصغر حکمت، در تالار جدید دارالفنون گشایش یافت. آنچه در تجدید بنای دارالفنون بیش از هر چیزی چشم‌نواز بود، ۲۲ کتیبه ای بود که به دو ۲ آیه از قرآن و بیت‌ها و تک‌مصراع‌هایی یازده شاعر شناخته و نام آور ایران آراسته شده بود. نگارنده در این جستار کوتاه بر آن است تا درباره این کتیبه‌ها در مدرسه دارالفنون و اداره صحیحه مدارس که پیوست ساختمان دارالفنون است، روشنگری کند. ۲۵ کتیبه بر روی کاشی‌های خیلی خوش‌رنگ کتابت شده است. از این ۲۵ کتیبه ۲۲ کتیبه آن زینت‌بخش حیاط مدرسه دارالفنون است، فقط ۳ کتیبه آن در نمای بیرونی مدرسه که در ضلع غربی خیابان ناصر خسرو واقع شده، قابل مشاهده است:

الف: کتیبه‌های قاب آجری ورودی مدرسه

این کتیبه در قاب آجری ورودی مدرسه به طرز چشم‌نوازی جلوه می‌کند و فقط یک بیت از شعرهای فرزانه توس - فردوسی - را با خط نستعلیق در خود دارد. کتیبه دیگر فقط «کلمه دارالفنون» است که در زیر آن تاریخ ۱۲۶۸ هـ. ق دیده می‌شود. که تاریخ تأسیس دارالفنون است.

۱. سنگ بنای دارالفنون در اوایل سال ۱۲۶۶ هـ. ق برابر با سال ۱۲۲۹ ش، در شمال شرقی ارک سلطنتی گذاشته شد. نقشه آن را میرزا رضا مهندس تبریزی کشید، معمار بنا محمدنقی معمار خیر مادری کامران میرزا پسر ناصرالدین شاه بود.

۲. نصرت‌الله کاسمی، دانش‌آموز رشته طب دارالفنون بود اما شاعری تواناست. وی پزشک شاعر است.

ب: کتیبه صحیحۀ مدارس

بر کاشی‌های خوش‌رنگ در ورودی اداره صحیحۀ مدارس این نوشته به چشم می‌خورد:



بهتر است بدانیم که این اداره در سال ۱۳۱۴ ش. در تاریخ ۲۲ بهمن ماه با حضور بزرگان آموزش و پرورش کار خود را آغاز کرد، اما در سال ۱۳۱۷ ش. اداره صحیحه مدارس به اداره بهداری آموزشگاه‌ها تغییر نام داد.

▣ کتیبه‌های حیاط دارالفنون

در حیاط دارالفنون ۲۲ کتیبه وجود دارد، در دو کتیبه آن، دو آیه از کلام‌الله مجید بدین‌گونه کتابت شده است:

الف: در جبهه شمالی حیاط مدرسه، بالای راهروی ورودی این آیه ۹ سوره زمر دیده می‌شود:

« **بَلِ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ** »

ب: در ضلع جنوبی حیاط، رواقی است که با کاشی‌های معرق زینت یافته است این رواق به سالن امتحانات و آمفی تئاتر راه دارد. در بالای گیلویی‌هایی که بر فراز کاشی کاری‌های هندسی قرار دارد، آیه ۲۶۹ سوره بقره نوشته شده است:

« **وَمَنْ يُؤْتَ الْحِكْمَةَ فَقَدْ أُوتِيَ خَيْرًا كَثِيرًا** »

دو کتیبه از گفتار، انوشیروان، و اردشیر بابکان، که سخنانی در خور توجه است:

۱. کوشا باشید تا آبادان باشید (انوشیروان)

۲. همه چیز به خرد نیازمند است و خرد به آزمون (اردشیر بابکان)

۱۸ کتیبه که به اشعار ده شاعر گران‌قدر ایرانی مزین است و هرکسی را به اندیشه وامی‌دارد.

این ده شاعر عبارتند از:

۱. رودکی، ۲. فردوسی، ۳. اسدی طوسی، ۴. سنایی، ۵. عطار، ۶. سعدی

۷. بابا افضل مرقی کاشانی، ۸. مولوی، ۹. حافظ، ۱۰. نظامی گنجوی

از این ۱۸ کتیبه چهار کتیبه آن با چهار بیت از شاهنامه فردوسی زینت یافته است:

۱. بر آن کس که اندیشه بد کند به فرجام بد با تن خود کند

۲. ز نیرو بود مرد را راستی ز سستی کثری آید و کاستی



۳. زمانی میاسای از آموختن اگر جان همی خواهی افروختن

۴. میازار موری که دانه‌کش است که جان دارد و جان شیرین خوش است

این چهار بیت با بیتی که بر سر در ورودی مدرسه دارالفنون نقش بسته است، حاکی از آن است که پنج بیت از سروده‌های فردوسی در کتیبه‌ها گنجانده شده است. افزون بر این نیز پنج مصرع از شعرهای فردوسی در این کتیبه‌ها آمده است:

(۱) ستون خرد بردباری بود:

این مصرع اول از بیت زیر است:

ستون خرد بردباری بود چو تندی کنی تن به خواری بود

(۲) به فرهنگ باشد روان تندرست:

این مصرع دوم از بیت زیر است:

گهر بی‌هنر زار و خوار است و سست به فرهنگ باشد روان تندرست

(۳) ز کردار گفتار برمگذران:

این مصرع اول بیت زیر است:

ز کردار گفتار برمگذران مگو آنچه دانش نداری در آن

(۴) از امروز کاری به فردا ممان:

این مصرع اول بیت زیر است:

از امروز کاری به فردا ممان که داند که فردا چه گردد زمان



(۵) هنر نزد ایرانیان است و بس:

این مصرع اول از بیت زیر است:

هنر نزد ایرانیان است و بس ندارند گرگ زیان را به کس

در سراسر شاهنامه ۴۴ بیت با واژه هنر آغاز می شود، اما این بیت در شاهنامه نیست و شاید از شعرهای الحاقی شاهنامه باشد؛ البته مصراع دوم این شعر الحاقی در بعضی از نسخ، این گونه است:

«بگیرند شیر ژیان را به کس»

و اما مصراع هایی از شاعران دیگر در این کتیبه‌ها آمده است:

(۱) فرزند خصال خویشتن باش:

این مصراع دوم بیت زیر از نظامی گنجوی است:

چون شیر بر خود سپه شکن باش فرزند خصال خویشتن باش

نظامی این شعر را در نصیحت بر فرزندش (محمد) سروده است. این بیت در مقدمه لیلی و مجنون آمده است.

(۲) صبر و ظفر هر دو دوستان قدیم اند:

این مصراع اول بیت زیر است که منسوب به حافظ است:

صبر و ظفر هر دو دوستان قدیم‌اند بر اثر صبر نوبت ظفر آید



این بیت، بخشی از غزل‌های حافظ است که با این بیت شروع می شود:

بر سر آنم که گر ز دست بر آید دست به کاری زخم که غصه سر آید

این غزل ۸ بیت دارد و بیت، «صبر و ظفر هر دو دوستان قدیم‌اند» الحاقی است و از حافظ نیست.

(۳) صبر و ظفر هر دو دوستان قدیم‌اند:

این مصراع شعر، از حافظ نیست گرچه زینت‌بخش یکی از کتیبه‌های حیاط دارالفنون است. می‌گوییم از حافظ نیست، اما این بیت از هر شاعری باشد، شعر مناسبی است. گرچه در زمان تحصیل در دبیرستان، ما این شعر را از حافظ می دانستیم. بدون

تردید در فاصله سال‌های ۱۳۰۸ تا ۱۳۱۲، که مدرسه دارالفنون بازسازی می‌شد، ادیبان صاحب نامی این شعرها را برای کتیبه‌ها انتخاب کرده‌اند که از بزرگان هر دو اندیشه بوده‌اند، اما پژوهش‌هایی که پس از سال ۱۳۱۲، درباره نسخه‌های گوناگون، دیوان حافظ و فردوسی انجام شده است که به برخی از لغزش‌ها برخورد کرده‌اند. از جمله این شعر منسوب به حافظ که از حافظ نیست. با این همه ما حق نداریم این کتیبه را بزدااییم و یا مصرعی دیگر از حافظ را جای آن بگذاریم، زیرا این کتیبه‌ها، میراث فرهنگی ماست و باید همان گونه که هست، حفظ شود.

(۴) از ایران جز آزاده هرگز نخاست:

اسدی توسی، صاحب کتاب گرشاسب نامه، بندگی را از ایرانیان نمی‌داند و از این‌رو ایرانی‌ها را آزاده می‌داند، چنانکه واژه ایران هم، ترکیبی است از ایر به معنی آزاد و پسوند الف و ن مکان، پس ایران یعنی جایگاه آزادگان:

از ایران جز آزاده هرگز نخاست خرید از شما برده هر کس که خواست

(۵) بال و پَر مرغ جان‌ها حکمت است:

مصرع دوم بیت عطار نیشابوری است:

نقطه ملک جهان‌ها همت است بال و پَر مرغ جان‌ها حکمت است

عطار نیشابوری، در کتاب منطق‌الطیر که کتابی عرفانی است بر این باور است که حکمت و فرزنگی بال و پَر مرغ جان‌ها است که می‌خواهد به قله دانایی و شناخت برسد.

(۶) علم و حکمت کمال انسان است:

این مصرع، مصرع دوم بیت زیر از حکیم سنایی غزنوی است:

خشم و شهوت جمال حیوان است علم و حکمت کمال انسان است





(۷) مکن بد به کس گر نخواهی به خویش:

این مصراع دوم از بیت زیر است که رودکی پدر شعر فارسی دری سروده است:
 چه خوش گفت آن مرد با آن خدیش مکن بد به کس گر نخواهی به خویش
 این بیت به صورت زیر هم ضبط شده است:
 چه خوش گفت مزدور با آن خدیش
 خدیش به معنی بانوی خانه، کدبانو است.

(۸) اول اندیشه وانگهی گفتار:

این مصراع اول از بیت زیر است که افصح‌المتکلمین سعدی سروده است:
 اول اندیشه وانگهی گفتار پای بسته آمده است پس دیوار
 و این بیت نیز از بیت‌های مانای سعدی است:
 بنی آدم اعضای یکدیگرند که در آفرینش ز یک گوهرند

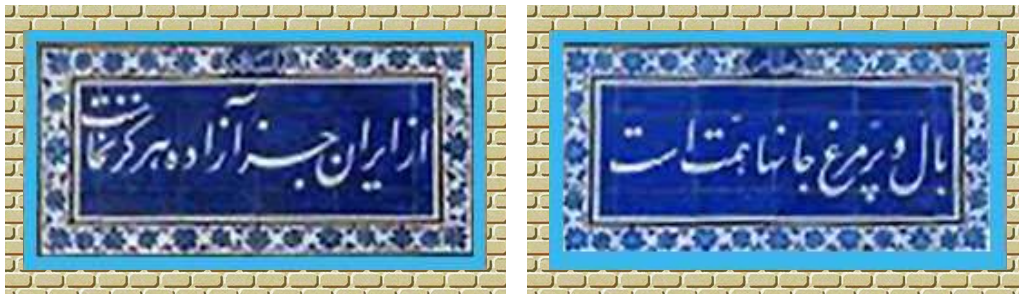
(۹) عقل‌ها مر عقل را یاری دهد:

این مصراع دوم از بیت زیر در کتاب مثنوی معنوی مولانا است:
 مشورت ادراک و هشیاری دهد عقل‌ها مر عقل را یاری دهد

(۱۰) مصراع «ز گفتار و کردار برمگذران»:

اگرچه این مصراع را به نام فردوسی در کتیبه‌ها می‌بینیم، اما این مصراع از اسدی توسی است. من در شاهنامه فقط ۴ بیت دیده‌ام که با واژه‌های ز گفتار و کردار آغاز شود، مانند:

۱. ز گفتار و کردار و از آفرین / ص ۳۰۴ - شاهنامه چاپ مسکو
۲. ز گفتار و کردار و رای و خرد / ص ۹۷ - شاهنامه چاپ مسکو
۳. ز گفتار و کردار او گشت شاد / ص ۱۵۱۲ - شاهنامه چاپ مسکو
۴. ز گفتار و کردار آن شوخ مرد / ص ۱۳۹۳ - شاهنامه چاپ مسکو



ناگفته نماند که اسدی توسی، از کسانی است که کتاب گرشاسب نامه را به شیوه فردوسی به نظم درآورده است.

(۱۱) جهان را همه چون تن خویش دان:

این مصراع دوم بیت زیر از فردوسی است:

بدو گفت شو دورباش از گناه جهان را همه چون تن خویش خواه
برخی از نسخه‌های شاهنامه به جای واژه خواه، دان است که درست نمی باشد.
اما درباره محور عروضی این کتیبه‌ها باید گفت که شعرهای فردوسی، اسدی توسی، رودکی سمرقندی، در قالب هایی است و بحر این گونه شعر، متقارب متمعن، محذوف است این گونه:

فعولن / فعولن / فعولن / فعل /

/ -U / --U / --U / --U

و در مصراعی که از مولوی و عطار است در بحر رمل است. رمل متمعن، محذوف:

فاعلاتن / فاعلاتن / فاعلن /

/ -U- / --U- / --U-

یک مصراع از نظامی است که در بحر هزج مسدس اخرج مقبوض محذوف است:

مفعول / مفاعلن / فعولن /

/ -- U / -U-U / U--

یک مصراع از سنایی در بحر خفیف سدس مخبون است:

فعلاتن / مفاعلن / فعلن /

/ -UU / -U-U / --UU

یک مصراع از سعدی هم در بحر خفیف مسدس مخبون است.

در کتیبه‌های دارالفنون فقط یک مصراع از یک غزل منسوب به حافظ است که در بحر

منسرح متمعن مطوی است:

مفتعلن / فاعلات / مفتعلن / فع /

-UU- / U-U- / - / -

در کتیه‌ها، فقط یک مصراع از یک رباعی دیده می‌شود که در بحر هزج متمن
اخر ب مکفوف است (که: نام بابای مرقی را با خود داشته است):

مفعول / مفاعیل / مفاعیل / فعل /

-U / U--U / U--U / U--

بابا افضل درویش بوده؟ شاعر بوده؟ دیگر آنکه این شعر، سؤال برانگیز است - اصل رباعی
چیست؟! بابا افضل، فیلسوف، عارف و ریاضی‌دان و شاعر است و کتاب ارزشمندی به نام
«عرض نامه» دارد.

افسوس که وقتی بر آن شدم درباره کتیه‌های دارالفنون جستاری هر چند کوتاه تهیه
کنم به واژه‌های تبلیغ گونه برخورد کردم که نام بابا افضل به مولوی تغییر یافته است. چون
این جزوه به وسیله سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی، گنجینه و مرکز اسناد وزارت
آموزش و پرورش تهیه شده است بر آن شدم که به چند نکته اشاره کنم:

الف) این کتیه‌ها در سال ۱۳۱۱ کتابت شده است. در آن تاریخ نه شاهنامه پژوهی
وجود داشته نه حافظ‌شناسی! به همین دلایل، مصرع و بیتی که به حافظ نسبت داده‌اند
و در یکی از کتیه‌ها نوشته شده است از حافظ نیست. اما ما حق اصلاح آن را نداریم.
ب) دیگر اینکه، این کتیه‌ها آن گونه که استاد، علی، از خوش‌نویسان مطرح
فرهنگی می‌گویند، به وسیله خوش‌نویس نامی آن زمان «عمادالکتاب» کتابت شده است.
چگونه ما در یک کار میراثی حق داریم، بابا افضل را که فقط به خط عمادالکتاب است،
به مولوی تغییر دهیم؟

پ) این تغییر نام اگر هم نتیجه پژوهش باشد باید به‌عنوان نقد کتیه‌ها و شعرها
مورد انتقاد قرار گیرد.

البته من قبول دارم که رباعی‌های بابا افضل آن گونه که سعید نفیسی پژوهش کرده‌اند
به نام دیگران هم در تذکره‌ها آمده است.

من نیز در پژوهشی که درباره رباعی‌هایی از خیام انجام می‌دادم، در کتاب تذکره هفت اقلیم
به این رباعی منسوب به بابا افضل یا مولوی برخورددم و مشاهده کردم که این رباعی به نام
شاعری به نام مولانا یعقوب چرخ‌آباد آمده است. مولانا یعقوب چرخ‌آباد گاهی شعر می‌گفته!
متن را همین‌جا به پایان می‌برم.

۱. ص ۳۶۲ - جلد اول، تذکره هفت اقلیم. تألیف امین احمد رازی، انتشارات سروش ۱۳۸۴ - تهران.